دریچه

دستور دادستان سنندج به پزشکی‌قانونی برای بررسی مجدد پرونده «دنیا ویسی»

● **تسنیم:** دادستان سنندج به پزشکی‌قانونی دستور داد ادعای تعرض به دنیا ویسی را بررسی کند. صبح روز دوشنبه، ۱۶ مهر، دنیا ویسی، دانش‌آموز پایه اول دبستان روستای گرماش، از توابع شهرستان سنندج، به دلیل ریزش دیوار فرسوده حیاط مدرسه جان خود را از دست داد. طبق اعلام محمدسعید کنعانی، مدیر آموزش‌وپرورش ناحیه ۲ سنندج، قبل از ظهر دوشنبه، ۱۶ مهر ۹۷ با ریزش بخشی از دیوار حیاط مدرسه روستایی به علت فرسوده‌بودن بنا، یکی از دانش‌آموزان پایه اول دبستان به‌نام دنیا ویسی مصدوم و توسط مدیر، آموزگار و پدرش به بیمارستان بعثت سنندج برده شد، اما متأسفانه بر اثر جراحات وارده این کودک فوت کرد. پس از این حادثه، برخی افراد مدعی شدند دنیا پیش از اینکه فوت کند، مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته و این احتمال وجود دارد که ریزش دیوار، سناریویی برای قتل دنیا و مخفی‌کردن تجاوز به او صورت گرفته باشد. در همین زمینه، اکبر جوهری، دادستان سنندج، اعلام کرد: با توجه به این ادعا، به پزشکی‌قانونی دستور دادم بررسی و معاینات لازم برای تأیید یا رد این ادعا را انجام دهد، اما تا این لحظه هنوز نظریه پزشکی‌قانونی اعلام نشده است. به‌محض وصول گزارش، به اطلاع مردم خواهد رسید.

ادامه از صفحه ۴

امتیازگیری برای قاچاق

افزود: در مبارزه با قاچاق کالا و ارز به شبکه‌های خوبی در زمینه قاچاق سوخت رسیده‌ایم و در حال بررسی و برخورد سازمان‌یافته با این جرم سازمان‌یافته هستیم، اما باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که زمینه و بستر برای شکل‌گیری قاچاق فراهم نشود؛ به‌عنوان‌مثال در زمینه قاچاق سوخت باید قیمت سوخت در داخل کشور نسبت به نرخ جهانی آن تغییر کند.

مؤیدی با بیان اینکه قاچاق سوخت عمدتا به کشورهای همجوار و همسایه صورت می‌گیرد، تصریح کرد که با وجود تلاش همه مسئولان به دلیل وجود سود بسیار گزاف شاهد ادامه‌یافتن قاچاق سوخت هستیم، البته دولت در زمینه خروج غیرقانونی و قاچاق کالاهای اساسی اقدامات بسیار مناسبی انجام داده است که شاهد جلوگیری از خروج این کالاها مانند دام زنده هستیم.

او با اشاره به اینکه هیچ نظری درباره تغییر قیمت سوخت یا افزایش آن ندارم، اضافه کرد: تنها مسئله‌ای که می‌توان بر اساس کارشناسی صورت‌گرفته بااطمینان به آن اشاره کرد این است که اختلاف قیمت سوخت در داخل و خارج از کشور باعث به‌تاراج‌رفتن این سرمایه می‌شود و اگر تدبیری برای جلوگیری از آن اندیشیده نشود، شاهد افزایش بی‌رویه قاچاق سوخت نسبت به سال گذشته خواهیم بود. البته تلاش همه دست‌اندرکاران در این عرصه برای مهارکردن پدیده شوم قاچاق، به‌ویژه قاچاق کالاهای اساسی مانند سوخت است که باید از مرزبانی و دیگر دستگاه‌های انتظامی و امنیتی مانند وزارت اطلاعات، تشکر کرد، چراکه اگر این تلاش‌ها نبود، چندین‌برابر قاچاق سوخت صورت گرفته، انجام می‌شد. دستگاه‌هایی مانند وزارت اطلاعات، نیروی انتظامی، وزارت صمت و گمرک همکاری خوبی با ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز داشته‌اند، اما در مورد دستگاه‌هایی که همکاری کمتری داشته‌اند، هنوز اسامی آنها اعلام نمی‌شود و در آینده بر اساس نمره‌ای که به دستگاه‌ها داده می‌شود، به اطلاع عموم مردم می‌رسد.

تشکیل ۴۶ هزارمیلیاردریال پرونده قاچاق در نیمه‌اول امسال

رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز همچنین درخصوص وضعیت قاچاق ارز و دیگر کالاها در نیمه اول امسال این‌گونه توضیح داد که در ماه‌های گذشته بالغ بر ۲۷۲ پرونده در زمینه قاچاق ارز تشکیل شده و در مراکز قضائی در حال رسیدگی است که البته با توجه به مسائل به‌وجودآمده در حوزه نوسانات ارزی، با خروج ارز از کشور تقریبا غیراقتصادی و منتفی شده است.

او افزود: درباره قاچاق انواع کالا و ارز در شش‌ماهه نخست امسال ۷۳ هزار و ۱۴۰ پرونده تشکیل شده که نسبت به نیمه اول سال گذشته ۲۶ درصد رشد را نشان می‌دهد و ارزش آنها به بیش از ۴۶ هزار میلیارد ریال می‌رسد که رشد چشمگیری نسبت به سال گذشته داشته است.

واردات شمش طلا رسمی می‌شود

مؤیدی‌خرم‌آبادی همچنین در مورد قاچاق طلا به کشور گفت: در گذشته به‌خاطر اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، ورود رسمی شمش طلا در سه سال گذشته به صفر رسیده بود که با همکاری دستگاه‌های مختلف قانون یادشده تغییر یافت و از این پس واردات شمش طلا به صورت رسمی از مبادی گمرک انجام خواهد شد، اما در مورد پرونده‌های کشف‌شده قاچاق طلا آمار ناچیزی وجود دارد.

ادعای پدری که از سرطان فرزندش می‌گفت، تکذیب شد

مؤسسه محک: پسر آقای ولیخانی ۲ سال است که بهبود یافته

به حساب فرد بهبودیافته یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان واریز شده است

شهرزاد همتی: هرچند داستان بالا و پایین‌آمدن دلار و بازی با جان بیماران شوخی‌بردار نیست و در ماه‌های گذشته بیماران زیادی به دلیل نبودن دارو یا گران‌بودن آن عطای درمان را به لقایش بخشیده‌اند؛ اما انگار در زمانه امروزی جدی‌نگرفتن احساسات مردم ایران که نشان داده‌اند از قضا سر بزنگاه بسیار ازخودگذشته هستند، مرسوم است. حتما همه شما فیلم پدری را که در بازار زنجان با بغض درباره سرطان پسر کوچکش می‌گفت و خوشحال از ارزان‌شدن دلار بود، دیده‌اید. احتمالا از دعوت او به تلویزیون و حضورش در برنامه فرمول یک هم خبر دارید. احتمالا شنیده‌اید که او برای بیماری پسرش کلیه‌اش را فروخته و احتمالا جزء مردمی هستید که برای کمک به او و پسرش به حساب اعلام‌شده از طرف او مبلغی را واریز کرده‌اید. روزنامه «شرق» نیز در روز دوشنبه گفت‌وگویی با افشین ولیخانی، پدر معروف زنجانی منتشر کرد؛ اما روز سه‌شنبه با تماس روابط‌عمومی محک مشخص شد هرچند پسر خردسال این مرد جوان مبتلا به سرطان لنفوم هوچکین بوده است؛ اما بیش از دو سال است که قطع درمان شده و حالا هر چند ماه یک بار صرفا به محک می‌رود تا چکاپ ماهانه آن هم به صورت رایگان روی او انجام شود.

در اطلاعیه محک آمده بود: این فرزند محک از مرداد سال ۱۳۹۴ مبتلا به بیماری لنفوم هوچکین (یکی از انواع سرطان‌های غدد لنفاوی) بوده و از همان تاریخ با ضریب حمایت صددرصد تحت حمایت محک قرار گرفته است. مندرجات و مستندات پرونده ایشان حاکی از آن است که خوشبختانه این فرزند عزیز محک در سایه حمایت‌های بی‌دریغ و بی‌کران مردم نیکوکار سرزمین‌مان در تیر ۱۳۹۵ از چنگال بیماری رهایی یافته و به استناد گزارش مکتوب پزشک معالج در بیمارستان مرکز طبی در تاریخ شش تیر ۱۳۹۵ شیمی‌درمانی به اتمام رسیده و اکنون برای معاینات دوره‌ای مراجعه می‌کند. این بیمار از تیر ۱۳۹۵ تاکنون، به طور مکرر برای انجام چکاپ‌های دوره‌ای و آزمایش‌های مرتبط با آنها به بیمارستان مرکز طبی مراجعه کرده و در هر نوبت، هزینه‌های مرتبط با آن را نیز از مؤسسه محک دریافت کرده است. آخرین مراجعه بیمار به بیمارستان مرکز طبی تهران برای چکاپ و آزمایش‌های دوره‌ای در تاریخ دوم مهر ۱۳۹۷ بوده است که هزینه آن نیز از سوی مؤسسه محک پرداخت شده است. ضمنا به دلیل قبولی در امتحانات مدرسه، جایزه کارنامه برای تشویق کودک برای ادامه تحصیل پرداخت شده است. همچنین ایشان هزینه مسافرت به تهران را نیز دریافت کرده‌اند.

دروغ پشت دروغ

اما این همه ماجرای ما نیست. بعد از حضور افشین ولیخانی در تلویزیون، شماره‌حساب این مرد از سوی مجری برنامه تلویزیونی و چند نفر از بازیگران در صفحات مجازی منتشر شد تا مبلغی به‌عنوان کمک‌هزینه درمان به حساب این شخص واریز شود؛ اما هیچ‌کس فکرش را نمی‌کرد که در کمتر از ۴۸ ساعت، مبلغ واریزی به یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون تومان برسد. ولیخانی در برنامه تلویزیونی نام یکی از مؤسسات خیریه مطرح در زنجان را به زبان آورد و مدعی شد این مؤسسه هیچ کاری برای او انجام نداده و به اسم فرزندش پول را جمع‌آوری کرده است. بعد از تکذیب صحبت‌های ولیخانی از سوی مؤسسه یادشده و انتشار اطلاعیه مؤسسه محک، با هماهنگی نماینده مجلس

در زنجان جلسه‌ای در مؤسسه خیریه زنجانی که اتهاماتی متوجه او شده بود، با حضور ولیخانی تشکیل می‌شود و ولیخانی در چیزی شبیه اعتراف تلویزیونی با تکذیب حرف‌های خود در تلویزیون و رسانه‌ها هم از مؤسسه محک و هم از مؤسسه خیریه زنجانی (مهرانه) تشکر می‌کند و درمان فرزندش را مرهون خدمات آنها عنوان می‌کند و می‌گوید دارویی که او دنبالش می‌گردد، متعلق به بیمار دیگری است. (ولیخانی در گفت‌وگو با «شرق» نیز تأکید کرده بود که به دو بیمار سرطانی در شهر خود نیز کمک می‌کند). اما داستان به همین‌جا ختم نمی‌شود، مشخص می‌شود نسخه‌ای که این مرد زنجانی در دست دارد، متعلق به سال ۹۵ است. همان نسخه‌ای که با آن به وزارت بهداشت دعوت می‌شود و مسئولان وزارتخانه را برای پیداکردن دارو بسیج می‌کند. البته دراین‌میان برنامه تلویزیونی که اول‌بار دعوت‌کننده ولیخانی به تلویزیون بوده، هم بی‌کار نمی‌نشیند. آنها دوباره این مرد جوان را به برنامه دعوت می‌کنند و اعلام می‌کنند که یک میلیارد در حساب پدر جمع شده و به محک اهدا خواهد شد.

داستان جایی جالب می‌شود که مؤسسه محک در اطلاعیه از پذیرش این پول سر باز می‌زند. گویا مجری این برنامه در نامه‌ای از مؤسسه محک درخواست می‌کند که مبلغ جمع‌آوری‌شده در حساب افشین ولیخانی را به حساب محک واریز کنند که با پاسخ منفی مدیران محک روبه‌رو می‌شوند. در اطلاعیه محک آمده است: تهیه‌کننده برنامه محترم... با سلام و احترام، بازگشت به نامه جناب‌عالی در موضوع گفت‌وگو با آقای افشین ولیخانی در قسمت ۳۵ برنامه، با ابراز مسرت مجدد از قطع درمان فرزند دلبندمان، به استحضار می‌رساند محتوای ارائه‌شده در برنامه جناب‌عالی که منجر به جمع‌آوری مبالغی شده است، با اطلاعات مستند موجود در پرونده حمایتی بیمار در مؤسسه خیریه محک، پرونده درمانی بیمار در بیمارستان مرکز طبی کودکان، اظهارنظر صریح و مکتوب پزشک معالج، مطابقت ندارد و هر سه مستندات فوق تصریح بر قطع درمان کودک بیمار در شهریورماه سال ۹۵ و انجام چکاپ و آزمایش‌های دوره‌ای تاکنون دارد. با عنایت به موارد و همچنین با توجه به نیت اهداکنندگان وجوه به حساب آقای افشین ولیخانی که برای پرداخت هزینه‌های درمان فرزند ایشان بوده است، روش انتقال قانونی مبالغ جمع‌آوری‌شده براساس اطلاعات مبهم و غیرشفاف ارائه‌شده، برای مؤسسه محک ناشناخته است.

این پول مال بچه ماست

اینجا توجه به چند نکته حائزاهمیت است: مطابق ادعای مجری برنامه تلویزیونی، آنها پیش از ضبط برنامه به لطایف‌الحیل موفق به دیدن جای عمل کلیوی آقای ولیخانی شده‌اند اما چطور امکان دارد که آنها پیش از حضور این میهمان در برنامه از صحت‌وسقم داروها و نسخه‌ها مطلع نشوند و البته این اشکال متوجه وزارت بهداشت نیز هست که همکاران خود را برای تهیه نسخه‌ای بسیج می‌کند که تاریخش برای دو سال پیش بوده است.

اما این تمام ماجرا نیست، پس از وقوع این جنجال‌ها بود که خبرنگار «شرق» با تلفن افشین ولیخانی تماس می‌گیرد و این‌بار همسر عصبی و آشفته ولیخانی پاسخ تلفن را می‌دهد. بسیار مضطرب و خسته به نظر می‌رسد. با صدایی بغض‌آلود می‌گوید: مگر شوهر من ادعا کرده بود کلیه‌اش را برای بچه فروخته؟ شما فیلم تلویزیون را دوباره ببینید، وقتی مجری می‌گوید که ولیخانی کلیه‌اش را فروخته، همسر من برآشفته می‌شود، اصلا فرزند من خبردار نبود که کلیه همسرم را فروختیم... امروز از مدرسه آمده و با گریه می‌گوید که چرا بابا یک کلیه دارد؟

همسایه‌های ما که در سال در خانه را نمی‌زدند، حالا آمده‌اند به ما می‌گویند چرا کلیه همسرت را فروختید و از ما پول نگرفتید؟

زن درحالی‌که نفس‌نفس می‌زند، می‌گوید: به ما گفته‌اند حرف نزنید اما من حرف دارم برای زدن که یک هفته دیگر می‌زنم... مگر همسر من گفته بود که برای درمان بچه‌ام پول می‌خواهم. به همسر آقای ولیخانی می‌گویم: خانم، همسر شما در صحبت با من هم که روز یکشنبه انجام شد، اعلام نکرد که فرزندتان بهبود یافته... اینجا خود افشین ولیخانی تلفن را می‌گیرد و می‌گوید: خانم من دروغ نگفتم... من هرچه درد داشتم مال دو سال پیش بود... از او سؤال می‌کنم: آقای ولیخانی چرا همان روز به من نگفتید درد و غصه‌تان مال گذشته است و ولیخانی می‌گوید: من الان نمی‌توانم حرف بزنم اما حرف‌های زیادی دارم که به‌موقع می‌گویم. دوباره همسرش گوشی را می‌گیرد و می‌گوید: این پول را مردم برای ما جمع کرده‌اند و نباید کسی برایش تصمیم بگیرد... ما شماره حساب را به مجری برنامه دادیم؛ چون گفت اسپانسر برنامه می‌خواهد به شما پول بدهد، ما حساب را ندادیم که در فضای مجازی منتشر کنند، حالا هم که پول به حساب آمده، مردم پول را به ما داده‌اند و اگر هم بخواهیم به کسی پس بدهیم به خود مردم پس می‌دهیم. دوباره به همسر آقای ولیخانی تأکید می‌کنم: مردم برای این به حساب شما پول ریخته‌اند که فکر می‌کردند پسر شما مریض است... زن می‌گوید: اگر بیماری‌اش برگردد چه می‌شود؟ این پول مال بچه من است.... و تلفن قطع می‌شود.

بنا بر گفته خانواده ولیخانی این حساب فعلا مسدود است. اما مسئله بی‌تدبیری مجدد ستاره‌ها و تلویزیون است. مثل همان اتفاقی که در زمان زلزله کرمانشاه افتاد؛ شماره‌حساب‌های اعلام‌شده و نبود نظارت بر نحوه کمک به مردم و... . تاوان این اشتباهات این است که مردم دیگر به هیچ‌کس اعتماد نخواهند کرد. چه کسی پای این اشتباه جبران‌ناپذیر خواهد ایستاد؟

خبر

تصادف اتوبوس دانش‌آموزان در آذربایجان‌شرقی

● **شرق:** بار دیگر اتوبوس حامل دانش‌آموزان راهیان نور دچار حادثه شد و تا لحظه نگارش این خبر، سه نفر در محور مواصلاتی تبریز درگذشتند. روز گذشته، حوالی ساعت ۱۴، اتوبوس دختران دوره دوم متوسطه بستان‌آباد از توابع استان آذربایجان‌شرقی، در راه سفر به تمرچین آذربایجان‌غربی واژگون شد و مسافران آن از پنجره به بیرون پرتاب شدند. ابتدا خبر فوت دو نفر در رسانه‌ها منتشر شد، اما با گذشت چند ساعت از اعلام این خبر، فرزاد رحمانی، رئیس مرکز فوریت‌های پزشکی آذربایجان‌شرقی، اعلام کرد: آمار فوتی‌های حادثه واژگونی اتوبوس در تبریز، از دو به سه نفر افزایش یافت. او دراین‌باره به رسانه‌ها گفت: «یکی از دانش‌آموزان مجروح این حادثه که به بیمارستان منتقل شده بود، به دلیل شدت جراحات واردشده درگذشت». سرهنگ نادر رحمانی، رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور، ساعاتی پس از واژگونی اتوبوس در تبریز درباره جزئیات آن به رسانه‌ها گفت: «یک دستگاه اتوبوس مربوط به سرویس دانش‌آموزی دبیرستان دخترانه در کیلومتر ۱۰ محور بستان‌آباد - تبریز در آزادراه زنجان-تبریز واژگون شد و بررسی‌های اولیه حاکی از آن است که این تصادف به علت تخطی از سرعت مطمئنه در جاده لغزنده بوده است». رئیس مرکز اطلاعات و کنترل ترافیک پلیس راهور افزود: این اتوبوس در ساعت ۱۴:۳۰ واژگون شد و یک نفر از فوتی‌ها مربی همراه دانش‌آموزان بوده است. ساعاتی پس از این حادثه، پلیس راهور ناجا اعلام کرد بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد تخطی از سرعت مطمئنه از سوی راننده اتوبوس و لغزندگی جاده، دلیل وقوع این حادثه بوده است؛ موضوعی که مدیرکل فرهنگی و هنری، اردوها و فضاهای پرورشی وزارت آموزش‌وپرورش نیز آن را تأیید کرد و بارش باران و لغزندگی جاده را عامل تصادف اتوبوس حامل دانش‌آموزان اعزامی به اردوی راهیان نور اعلام کرد. علی رمضانی دراین‌باره گفت: این اتوبوس که حامل ۴۰ دختر دوره دوم متوسطه و در حال حرکت به منطقه تمرچین آذربایجان‌غربی بود، بر اثر بارش باران و لغزندگی جاده، در ورودی شهر تبریز دچار سانحه شد. در این حادثه متأسفانه دو دانش‌آموز و نیز خانم مربی‌ای که نماینده سپاه بود، جان خود را از دست دادند. سایر دانش‌آموزان مصدوم نیز به صورت سرپایی مداوا شدند.

برگزاری اجلاس ایکوم در تهران

شرق: رئیس ایکوم ایران گفت اجلاس ایکوم اواخر مهر ماه در تهران برگزار خواهد شد.

سیداحمد محیط‌طباطبایی دراین‌باره با توضیحاتی درخصوص فعالیت ایران در ایکوم به «شرق» گفت: «سال ۱۳۹۵ در مجمع عمومی شورای بین‌المللی موزه‌ها که در شهر میلان برپا شد، هیئت ایرانی با ریاست وقت ایکوم وارد گفت‌وگو شد. ایکوم یکی از بخش‌های مهم سازمان بین‌المللی موزه‌هاست که بخش موزه‌شناسی، تعریف موزه، تغییر و تحولاتی که بر اساس تغییر موزه‌ها صورت می‌گیرد، توسط این بخش انجام می‌شود. درواقع بخشی است که به مسائل تئوریک و محتوایی می‌پردازد و امروزه بازخورد همه اتفاقاتی که در همه قسمت‌ها در جهان اتفاق می‌افتد، مرتبط با تعریف و نگاهی است که این بخش برایش درست می‌کند».

رئیس ایکوم افزود: «وقتی تعریف می‌کنیم که موزه، یک مؤسسه غیرانتفاعی است که امر پژوهش را در خودش دارد و به بخشی از میراث فرهنگی، طبیعی، تاریخی و هنری را مورد حفاظت قرار می‌دهد، می‌شناسد، معرفی می‌کند و ورود و خروج به آن برای عموم آزاد است، این تعریف از سوی ایکوم بلافاصله وضعیت نهادهایی را که موزه هستند، تغییر می‌دهد. برای همین است که کتابخانه‌های ملی و سازمان‌های اسناد، همه می‌توانند موزه تعریف شوند که قبلا موزه تعریف نمی‌شدند. پس تعریفی که این نهاد به وجود می‌آورد، در تغییر و تحولات کلی که در دنیا پیش می‌آید، بسیار مهم است».

طباطبایی با بیان اینکه ما با مجمع عمومی شورای ایکوفوم در سال ۹۵ وارد گفت‌وگو شدیم، اظهار کرد: «با تلاش‌هایی که صورت گرفت و با وجود مسائل و مشکلاتی که به‌طور طبیعی گاه برای جمهوری اسلامی ایران، برای این کارها پیش می‌آید، در نهایت توافق کلی و عمومی صورت گرفت که اجلاس آینده که در ۲۰۱۸ میلادی است در تهران برگزار شود».

او در ادامه با بیان اینکه اجلاس اواخر مهر ماه برگزار خواهد شد، افزود: «در این سال، تلاش‌ها، گفت‌وگوها و ارتباط‌ها ادامه پیدا کرد. رویکرد یا عنوان این همایش، موزه و تقدس گذاشته شده است. این به‌خاطر شرایط ویژه کشور ماست که ایران را باید یک سرزمین مقدس، به‌طورکلی مدنظر بگیریم و به‌همین‌دلیل موزه و تقدس، عنوان اصلی انتخاب شد. یکی از ویژگی‌های خاصی که مورد توجه ریاست ایکوفوم قرار گرفت و بسیار راغب شد که حتما این اتفاق در ایران بیفتد، بازدیدی بود که از موزه‌ها و فضاهای تاریخی ما در خیابان سی تیر به عمل آورد. در کنار یکدیگر بودن موزه‌هایی که برای مذاهب مختلف بودند و توسط بخش‌های غیردولتی اداره می‌شدند، تا موزه کلاسیک و موزه آبگینه و در نهایت موزه‌هایی که شیء تاریخی ندارد مانند موزه علم و فناوری، یا موزه وقفی مانند موزه ملک، یا موزه باستان‌شناسی مانند موزه ایران باستان، یا موزه‌ای که مفهوم‌گراست مانند موزه صلح در شمال پارک شهر، همه با هم باعث شد این مجموعه مورد بررسی واقع شود و قرار بر این شد که پنج روز، کارگاه و اجلاس در تهران باشد و در هر روز، یکی، دو مورد از این موزه‌ها مورد بررسی و نقد قرار گیرد و به نتیجه ارتباط بین موزه و تقدس برسیم».

طباطبایی در بخش دیگری از سخنان خود تأکید کرد: «شاید خوب باشد که اینجا اشاره کنم درواقع نوع نگاه و رفتاری که یک موزه‌دار نسبت به شیء که از آن در موزه حفاظت و معرفی می‌کند، نوعی رفتار و نگاه شخصی است که برای آن شیء و اثر، ارزش بسیار قائل است. این گاه به نوعی قداست برای فرد منجر می‌شود، تا تقدس به معنی دینی و مذهبی آن که در بسیاری از فضاها و موزه‌های ما دیده می‌شود. به هر شکل، این اجلاس در روزهای بیست‌ودوم تا بیست‌وهشتم مهرماه در موزه ملی برگزار خواهد شد».

رئیس کمیته ملی موزه‌های ایران درخصوص میهمانانی که در این اجلاس حضور خواهند داشت نیز عنوان کرد: «سخنران‌ها و افرادی از هیئت اجرائی بخش موزه‌شناسی در این اجلاس شرکت خواهند کرد. سه سخنران از اروپا به ایران خواهند آمد که تخصص آنها در این حوزه‌هاست؛ همچنین افرادی از کشورهای آسیایی، آفریقایی، اروپایی و آمریکایی به این سفر خواهند آمد؛ شاید با حضور ۴۰، ۵۰ نفر میهمانان خارجی، با تعدادی برابر و قدری بیشتر از کارشناسان ایرانی. این اجلاس را نه یک همایش بلکه یک کارگاه است برای تجزیه و تحلیل، در شرایط فعلی می‌توان گفت نوعی فضای حصر و بسته است که سعی دارند جمهوری اسلامی را محدود کنند، با فضای فرهنگی می‌توانیم این محدودیت را بشکنیم و فضای تعامل و گفت‌وگو را در مسائل فرهنگی به وجود آوریم و این اجلاس را برگزار کنیم»

به گفته طباطبایی افرادی که می‌خواهند در این اجلاس شرکت کنند، اعضای ایکوم یا اعضای غیر هستند که باید پیش از برگزاری آن ثبت شوند تا در آن شرکت و از کارگاه‌ها استفاده کنند. در واقع، ایکوم یک نهاد غیردولتی است که با پشتیبانی و حمایت افراد، این کار را انجام می‌دهد.

خانواده بزرگ محک در صدر جهان ایستاد

خانواده بزرگ محک با کسب امتیاز ۹۷,۵ درصد بالاترین رتبه در ارزیابی استاندارد SGS در بین ۳۲۸ سازمان مردم‌نهاد جهان که دارای گواهینامه معتبر می‌باشند را کسب کرد و بار دیگر جامعه مدنی ایران افتخاری کم‌نظیر را در روزهای سخت درمان سرطان کودکان رقم زد.
ما امروز و در هر شرایطی تلاش می‌کنیم تا همواره به ارزش‌های اصلی خود که همان شفافیت و پاسخگویی است، پایبند بوده و با اتکا به یاری نیکوکاران ایران زمین روزهای سخت را با آرزوی رسیدن به سربلندی و سلامتی کودکانمان پشت سر بگذاریم و همواره راوی خبرهای خوب باشیم.

محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org

روش‌های حمایت از کودکان محک:
شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰
۰۲۱ - ۲۳۵۴۰ *۷۳۳*۲۳۵۴۰#

از اینکه به پیام ما توجه می‌کنید، سپاسگزاریم.